

"مروری بر کاربرد بازی‌های آموزشی غیردیجیتال در کلاس‌های درس دوره ابتدایی"

مریم شفیعی سروستانی^۱، مرضیه مسگرپور^۲

استادیار تمام وقت دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز ایمیل نویسنده اول (Maryam.shafiei@gmail.com)
دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه شیراز، ایمیل نویسنده دوم (sadaf.mesgarpoor.73@gmail.com)

چکیده

امروزه گرایش شدیدی به بازی‌های دیجیتالی در کودکان دیده می‌شود که در صورت عدم کنترل و مدیریت صحیحی از سوی مربیان پیامد‌های ناگواری را شاهد خواهیم بود بازی‌های آموزشی غیردیجیتال شور و نشاط بیشتری را به همراه خواهند داشت و تعمل بالاتری را میان متربیان ایجاد می‌کند. لذا برای پی بردن به چگونگی کاربرد این روش در کلاس درس از، تحلیل اسناد و منابع کتابخانه‌ای استفاده شد. با تحلیل مراجع یافته‌های زیر حاصل شد: بازی‌های آموزشی از جمله بهترین روش‌های موثر در یادگیری می‌باشند چراکه بازی جز شیوه تفکر دانش‌آموزان دوره ابتدایی است. و کودکان به وسیله بازی می‌توانند بسیاری از مفاهیم، نگرش‌ها و ارزش‌ها، مهارت‌های زندگی و مورد نیازشان را فراگیرند. هم‌چنین بازی‌های آموزشی اثرات مثبت بیشماری را همچون رشد: ذهنی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و جسمانی برای دانش‌آموزان به همراه دارد. که با به کارگیری روش‌های مختلف مثل: کارکردی، سازندگی، نمایشی، قاعده‌مند، این اهداف عالی به منصف ظهور خواهند رسید. لذا مربیان بایستی توجه داشته باشند که دانش‌آموزان نقش تعیین‌کننده و فعالی را در اینگونه روش‌های تدریس و یادگیری دارند، بنابراین می‌بایست با توجه به انواع و مراحل این روش یاددهی-یادگیری، زمینه و محیط مناسبی را برای این نوع از یادگیری تعاملی در زمان‌های مناسب کلاس درس فراهم سازند.

واژه‌های کلیدی

بازی- بازی‌های آموزشی-انواع بازی‌ها- مراحل اجرای بازی‌های آموزشی- زمان استفاده از بازی‌های آموزشی.

مقدمه

امروزه جوامع با گام گذاشتن به هزاره سوم، جهت روبرو شدن با تحولات شگفت‌انگیز قرن بیست و یکم، باید به طور فزاینده‌ای به مهارت تفکر خلاق مجهز شوند. طبق نظر متخصصان فن آوری اطلاعات، انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۰ علم و دانش بشر هر هفتاد روز دوبرابر شود بنابراین لازم است که کودکان و نوجوانان پاسخگوی تغییر و تحولات محیط و اجتماع پرتلاطم آینده باشند. از اینرو در مدارس و کلاس‌های درس بایستی با روش‌هایی به کودکان آموزش دهیم که بتوانند یادگیرندگان خود محور باشند و بتوانند از عهده

چالش‌های فزاینده جامعه جهانی برآیند. [۱] هدف آموزش و پرورش لحاظ کردن ابعاد جسمانی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی برای دستیابی به انسانی کامل است اما پرورش انسان کامل، تنها مستلزم کسب دانش و مهارت و توانایی‌ها نیست بلکه لازمه آن، بازبودن ذهن در برابر آنچه در جهان خارج اتفاق می‌افتد و تفاهم با مردم و رفتارهای واقعی برای دستیابی به روابط اجتماعی هماهنگ و همنوا است؛ در واقع، امروز آموزش و پرورش به دنبال جامعه‌پذیر و فرهنگ‌پذیر کردن نسل‌های جدید و آینده‌برای پذیرش جامعه جهانی است. به همین جهت دوره ابتدایی، از لحاظ رشد، تربیت و تکوین شخصیت کودکان، دوره‌های بسیار مهم است که پایه و اساس آموزش‌های بعدی قرار می‌گیرد و دانش‌آموزان را برای کسب مهارت‌ها و تخصص‌های آتی آماده می‌سازد؛ شکلگیری و رشد همه جانبه فرد در این دوره صورت می‌پذیرد و فرصت و موقعیتی مناسب برای تحصیل، تربیت و یادگیری شیوه [برقراری] ارتباط صحیح با دیگران برای کودک، فراهم می‌شود. [۲] اما بیشتر الگوها و روش‌های تدریس برای دانش‌آموزان نقشی غیرفعال را ایفا می‌نمایند و در اکثر الگوها دانش‌آموزان تنها وظیفه گوش دادن و به خاطر سپردن و یادداشت کردن را برعهده دارند. با چنین عملکردهایی نمی‌توانیم یادگیری را در دانش‌آموزان درونی کنیم و یا نمی‌توانیم از طریق شیوه‌های یادشده دانش‌آموزانی را داشته باشیم که یاد بگیرند که چگونه یادگیرند و آنچه را یاد گرفته‌اند را به کار برند.

ایجاد موقعیت‌های یادگیری تعاملی از جمله روش‌های مطلوب در آموزش و پرورش است. پژوهشگران و دانشمندان در حوزه‌ی آموزش و پرورش، ارزش‌های والای «تعاملی بودن محیط‌های آموزشی» را پیوسته مطرح و بر آن تأکید کرده‌اند. این محیط‌ها شامل موقعیت‌هایی هستند که در آن‌ها دانش‌آموزان به جای اینکه یادگیرندگان غیرفعال اطلاعات از منابع آموزشی باشند، خود به طور مستقیم در فرایند یادگیری شرکت فعالانه دارند. [۳]

در واقع برای تحقق یادگیری فعال، یکی از بارزترین مسئولیت‌های معلمان توجه به دانش‌آموز محور بودن فرایند یادگیری است. اما این سوال ایجاد می‌شود که چگونه فرایند یادگیری را دانش‌آموز محور کنیم؟ یکی از راه‌های دست‌یابی به این مهم تقویت علایق دانش‌آموز در کلاس درس است. و در نتیجه معلمان می‌توانند با تدارک فرصت‌های مناسب یادگیری و روش‌های گوناگون تدریس موجبات این امر را فراهم نمایند. لذا معلمان فرصتی را فراهم می‌کنند تا به وسیله‌ی نزدیک‌ترین روش‌ها به تفکر کودک، مفاهیم را به آنان